

سیری در تاریخ های محلی تشیع در ایران پیش از صفویه (۱): آوه یا آبه

دکتر سیدمسعود شاهمرادی

مقدمه

تشیع در ایران مسیری پرفراز و فرود پیموده است که می توان آن را در دو مقطع کلی پیش و پس از تأسیس حکومت صفویه بررسی نمود. تاریخ تشیع در ایران پیش از صفویه نیز به دو مقطع قبل و بعد از حمله مغولان قابل تقسیم بندی است. مطالعات در مورد تاریخ تشیع در ایران در دوران قبل از رسمیت یافتن آن، از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از جنبه های اینگونه مطالعات، بررسی تواریخ محلی تشیع در ایران است. با مطالعه منابع گوناگون درمی یابیم بسیاری از شهرها و مناطق در ایران دارای پیشینه ای پر یا کم بار از تشیع در دوران پیش از صفویه هستند. از آنجا که «تاریخ محلی» دانشی است برای بازسازی گذشته در مقیاسی محلی یا منطقه ای و نمود گذشته با این گرایش ملموس تر و معنی دار است، می توان گفت بررسی تاریخ تشیع در ایران بر مبنای نواحی یا مناطق گوناگون و بررسی مجموع آنها، می تواند تصویری واضح تر و ملموس تر از تاریخ تشیع ایران در دوران پیش از صفویه فرارو نهد. نوشتار حاضر با همین قصد سعی دارد سیری در تواریخ محلی تشیع در ایران پیش از صفویه داشته باشد و در اولین قدم، منطقه «آوه» یا «آبه» را مطرح نظر قرار داده است. با اینکه این ناحیه در ایران پیش از صفویه محلی بسیار شناخته شده بوده و در منابع تاریخی و جغرافیایی این دوران اشارات بسیاری به آن رفته و رواج تشیع در آن نیز مورد اشاره بسیاری از منابع قرار گرفته است، با این حال امروزه شهری بسیار کوچک و گمنام در مرکز ایران است.

جغرافیای آوه

آوه یا آبه، شهرکی کهن نزدیک ساوه، تا دهه های اخیر روستایی بود از دهستان جعفرآباد در جنوب شهرستان ساوه در استان مرکزی. این ناحیه در اواخر سال ۹۱ شمسی تبدیل به شهر شده است و اکنون جز بخش مرکزی ساوه محسوب می شود. در فرهنگها و منابع تاریخی و جغرافیایی عربی و فارسی، نامهای «آبه» و «آوه» هر دو آمده، اما

اغلب به صورت «آبه» ضبط شده است. یاقوت می گوید: «عامه مردم آبه را آوه می خوانند». (یاقوت حموی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۳) منسوب آن نیز غالباً «آبی» آمده و به ندرت «آوی» و «آوجی» هم دیده می شود. (دایره المعارف بزرگ اسلامی - ج ۲ - ۲۴۷) آوه در حدود بیست کیلومتری باختر قم برکنار رود گاوماسا قرار دارد. ویرانه های شهرک قدیمی در اطراف آن دیده می شود. محصولات آن غلات، بنشن، پنبه، انار و انجیر و پیشه مردم آن کشاورزی و دامداری است. آوه در منطقه ای جلگه ای است و بر اساس سرشماری ۱۳۵۵ ش. دارای ۳۴۱ خانوار با جمعیت ۱۷۱۹ نفر بوده و اکنون قریب چهار هزار نفر جمعیت دارد. گورهای باستانی بسیار در حوالی آوه دیده می شود. (نک: شعار، بی تا، ج ۲: ۲۴۷) نویسنده حدود العالم (قرن چهار هجری) می گوید: ساوه و آوه شهرک هایی اند انبوه و آبادان و با نعمت بسیار و خرم و هوای درست و راه حجاج خراسان. (ناشناس، بی تا: ۱۴۲) در احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم (قرن چهار هجری) نیز آوه جزء نواحی ری محسوب شده است. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۷۳ و ج ۲: ۵۷۵) یاقوت حموی (قرن هفت هجری) نیز می نویسد آبه شهرکی است در برابر ساوه که توده مردم آن را «آوه» خوانند. (یاقوت حموی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۳) در آثار البلاد و اخبار العباد (قرن هفت هجری) آبه دهی در نزدیک ساوه بیان شده است. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۲) در قرن هشتم هجری، در نزهه القلوب حمدالله مستوفی، آوه جزء «عراق عجم» ذکر شده و از آب و هوای معتدل و محصول غله و پنبه بسیار آنجا سخن به میان آمده است. (مستوفی، بی تا: ۶۵) در آثار متأخر هم گفته شده «آبه» را آوه گویند که در چهار فرسخی ساوه واقع شده و در قدیم شهری بوده که در حملات مغولان ویران شده است. (نک: شیروانی، بی تا: ۵۹)

تشیع در آوه

بر اساس گزارش منابع مختلف، سابقه تشیع مردم آبه، به قرن دوم هجری باز می گردد. نامه امام عسکری (ع) به مردم قم و آبه (نک: مجلسی، بی تا، ج ۵۰: ۳۱۷) از شواهد این امر به حساب می آید. شیخ طوسی نیز روایت کرده است که زنی از این شهر با نام «زینب» قصد آن داشت تا ۳۰۰ دینار پول خود را با دست خویش به ابوالقاسم بن روح - سفیر سوم امام دوازدهم (عج) در دوران غیبت صغری - بدهد. وی نزد ابوالقاسم بن روح آمد و پول را بدو تقدیم کرد. (طوسی، بی تا: ۳۲۱)

به نظر می‌رسد مردمان آبه به دلیل پیوندی که با قم - که در نزدیکی این شهر واقع و از مراکز عمده تشیع در ایران بود - داشتند، به تشیع گرویدند و تشیع قم به شهر آوه یا آبه نیز نفوذ کرده است. در این میان، ساداتی که در قم اقامت داشتند، برخی به آبه مهاجرت می‌کردند. گفتنی است حضور سادات در شهرهای مختلف، نمودار وجود تشیع در این شهرهاست. دلیل آن این است که سادات بطور عموم شیعه‌اند، حتی اگر شیعه نباشند، بیشتری آنها علائق شیعی سختی دارند. (جعفریان، ۱۳۸۸: ۴۵۰) در تاریخ قم (قرن چهار هجری) آمده است که یکی از سادات با نام ابوعلی «از قم به آبه رفت و به آبه زنی از آل طلحه بخواست و از او چند فرزند آورد و مدتی به آبه مقیم بود و از آنجا دیگر باره به قم آمد». (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰۲) مولف تاریخ قم درباره یکی دیگر از سادات می‌نویسد: «و از سادات موسوی که به آبه بوده‌اند، ابوالحسین محمد بن الحسن بن ابراهیم موسی است و این ابوالحسین از کوفه به طلب عمش اسحاق بن ابراهیم به آبه آمد و به آبه وطن ساخت و مقیم شد... و نقابت سادات آبه بدو مفوض بوده است». (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰۳) نویسنده تاریخ قم در خبری جالب توجه آورده است که ابراهیم بن محمد خزری گفت که «به مدینه جمعی از علویه جمع شدند بر آنک که به جهت معاش به دیگر شهرها بروند. پس قصد ناحیت جبل کردند و از بزرگان و مشهوران خزری محمد بن علی و احمد بن عیسی و ... در میان ایشان بودند. پس مجموع به آبه آمدند». بعد از آن اشاره به برخورد آنها با عبدالعزیز دلف شده و نتیجه آن که این گروه علویه در قزوین شدند. سپس جمعی به طبرستان و برخی در ری سکونت گزیدند. فرزندان محمد بن علی خزری پس از آنکه پدرشان در طبرستان مسموم شد، مجدداً به آبه بازگشتند و آنجا مقیم شدند. (قمی، ۱۳۸۵: ۶۳۹-۶۴۳)

در کتاب مهاجران آل ابوطالب (قرن پنجم هجری) نیز تحت عنوان «واردین به آبه» از سادات مهاجر به این شهر یاد شده است. (نک: ابن طباطبای، ۱۳۷۲: ۱۰۵-۱۰۷) همچنین بنا به گزارش بیهقی (قرن شش هجری)، السید الرئیس النقیب ابوالغیث محمد بن حمزه نقیب سادات در آبه بوده است. (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۵۵۸) وی در جای دیگری نوشته است که ابو جعفر زیاره از مدینه به طبرستان آمد. این به درخواست زیدیه طبرستان بود که از داعی رضایت نداشتند و از او خواستند تا امامت آنها را بعهده بگیرد. وقتی به طبرستان آمد، مسائلی میان او و داعی پیش آمد و او به آبه آمد، در حالی که برادرش در جرجان ماند. (بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۹۲)

کتاب نقض، معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض، بیشترین و غنی‌ترین آگاهی‌ها را درباره وضعیت مذهبی شهرهای ایران در قرن ششم هجری در اختیار ما می‌گذارد. این کتاب حاوی روایات

ارزشمندی در مورد تشیع آوه در این قرن نیز است. مولف این کتاب، عبدالجلیل قزوینی رازی، در کتاب خویش بارها از آوه به عنوان یکی از بلاد شیعی یاد کرده (نک: عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۰۹ و ۳۶۴ و ۴۵۹) و می نویسد: «اما شهر آبه، اگرچه شهری است به صورت کوچک، بحمدالله و منه بقعه ای بزرگوار است از شعار مسلمانی و آثار شریعت مصطفوی و سنت علوی، در جامع معمور کبیر و صغیر با جمعه و جماعات و ترتیب عیدین و غدیر و قدر و عاشورا و برات و قرائت قرآن متواتر و مدرسه عزالملکی و عرب شاهی معمور به آلت و عدت و مدرسان چون سید ابو عبدالله و سید ابو الفتح و فضل و سلیمان اولاد موسی کاظم منور و مشتهر علمای رفته و مانده همه متبحر و متدین. (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۹۹) گفتنی است عبدالجلیل درباره برخی مکان هایی که فرزندان بلاواسطه ائمه اطهار در آنها مدفون بوده اند می نویسد: «و اهل آوه به زیارت فضل و سلیمان شوند، فرزندان موسی بن جعفر الکاظم (ع)». (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۸۸-۵۸۹) او درباره برگزاری نماز جمعه در شهرهای شیعه نشین از جمله دو جامع در آوه نیز یاد می کند. (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۹۵) عبدالجلیل، که فهرستی از سادات را در شهرهای مختلف ارائه می دهد، در مورد آوه می نویسد: «خانندان سید نقیب جمال الدین شرفشاه الحسینی به آوه...». (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۲۳-۲۲۴) او در ادامه متذکر می شود: «و علوی اصلی، الامامتی و شیعی نبود و نتواند بود واگر نه باری زیدی». (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۲۶)

آوه یا آبه، عالمان شیعی چندی را در قرن ششم در خود داشته است. دو تن از این عالمان با نام «سید ابو الفتح الآوی الحسینی» و «سید ابو عبدالله» سمت استادی در آوه داشته اند. (عبدالجلیل قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۹۹) از دیگر عالمان سید این شهر، «سید فخرالدین بابا بن محمد علوی حسینی آبی» است که منتجب الدین از وی یاد کرده است. (منتجب الدین، ۱۳۶۶: ۴۳) «شیخ موفق الدین حسن بن محمد بن حسن معروف به خواجه آبی» از عالمان شیعی همین قرن است که در یکی از توابع ری سکونت داشته است. (منتجب الدین، ۱۳۶۶: ۵۳) از دیگر عالمان آبی این قرن، «قاضی صاعد بن محمد بن صاعد البریدی آبی» است که منتجب الدین از وی با عنوان «فاضل متبحر» یاد کرده و نه عدد از مصنفات وی را برشمرده است. (منتجب الدین، ۱۳۶۶: ۷۲)

در قرن هفتم در معجم البلدان و آثار البلاد و اخبار العباد از تشیع آوه یاد شده است. یاقوت می نویسد مردمان آوه شیعی اند و مردم ساوه سنی و جنگ مذهبی میان این دو شهر همیشگی است. (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۵۳) مولف

آثار البلاد و اخبار العباد نیز یادآور شده اهل آوه، شیعه و رافضی هستند و با اهل ساوه که سنی هستند، همه اوقات منازعه دارند. (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۴۲)

در آثار قرن هشتم هجری نیز از تشیع آوه یاد شده است. مستوفی در نزهة القلوب در مورد آوه می نویسد: «مردم آنجا شیعه اثنی عشریند و در آن مذهب به غایت متعصب اند و باهم اتفاقی نیکو دارند». (مستوفی، بی تا، ص ۶۶) ابن بطوطه جهانگرد معروف مسلمان (۷۰۳-۷۷۰ ق.) نیز در همین قرن به تشیع آوه اشاره کرده است. او در سفرنامه خود می نویسد نقیب نجف هنگام مسافرت او به آن شهر، «نظام الدین حسین بن تاج الدین الآوی» بوده است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۲۲) ابن بطوطه در جائی دیگر، روایت مناره جنبان مسجد علی (ع) در بصره، نیز به تشیع مردم آوه و تعصب آنها در این امر اشاره می کند. (نک: ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱، ۲۳۰-۲۳۱) ابن بطوطه در شرح مسافرت خویش به شهر کولم - از شهرهای ملیبار - نیز می گوید: «جمعی از تجار مسلمان در کولم سکونت دارند که بزرگ آنان علاء الدین آوجی از اهل آوه عراق است و مذهب تشیع دارد. رفقای او نیز بر همان مذهبند و عقاید خود را فاش می دارند». (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۱۴)

فهرست منابع

ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، رحله ابن بطوطه، تهران: آگه، ۱۳۷۶.

ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر، مهاجران آل ابوطالب، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، ۱۳۷۲.

بیهقی، علی بن زید، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، تحقیق مهدی رجایی، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۴۱۰ ق.

جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم، ۱۳۸۸.

شعار، جعفر، «آوه» در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، بی تا.

شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، بستان السیاحه، تهران: سنایی، بی تا.

طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، بی جا، بی نا، بی تا.

عبدالجلیل قزوینی، عبدالجلیل بن ابی‌الحسین، النقض معروف بعض مثالب النواصب فی نقض "بعض فضائح الروافض"، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.

قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۳.

قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالمالک قمی، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۳۸۵.

مجلسی، محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء، بی تا.

مستوفی، حمدالله، نزاهة القلوب، تهران: بی نا، بی تا.

مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، تهران: شرکت مولفان و مترجمان، ۱۳۶۱.

منتجب‌الدین، علی بن عبیدالله، الفهرست، تحقیق و مقدمه از جلال‌الدین محدث ارموی، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۳۶۶.

ناشناس، حدود العالم، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بی نا، بی تا.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.